

هو الله تعالى جلت عظمته و سلطانه

مکتوب آن جناب در سجن اعظم بنظر این مظلوم رسید و اینکه سؤال از حکم الله در امر معاد و معاش نموده بودید مفهوم گشت نعم ما سألت چه که خیرش بشما و سایر عباد در ظاهر و باطن راجعست ان ربک لهو العليم المجیب سبب اعظم آفرینش عرفان الله بوده و هر نفسی الیوم از عرف قمیص رحمانی بوطن اصلی که مقام معرفت مطلع اوامر الهیه و مشرق وحی ربانیه است فائز شد او بکلّ خیر فائز بوده و خواهد بود و بعد از ورود این مقام اعلی دو امر از برای هر نفسی لازم و واجبست یکی استقامت بر امر الله بشأنی که اگر جمیع ناس بخواهند او را از مصدر امر منع نمایند قادر نباشند و امر دیگر اتباع اوامر الهیه است که از معین قلم مشیت ربانیه جاری شده چه که معرفت حقّ تمام و کامل نمیشود مگر بمتابعت آنچه امر فرموده و در کتاب الهی نازل شده در سنه قبل کتاب اقدس از سماء عطاء مالک اسماء نازل آنچه در او نازل شده انشاءالله بعمل بان موفق شوید

و اما امر معاش باید متوکلاً علی الله مشغول بکسب باشید انه ینزل علیکم من سماء الطافه ما قدر لکم انه لهو المقتدر القدیر حمد کن مقصود عالم را که کتابت لدی المسجون وارد شد و از مقرّ امر جواب آن نازل و ارسال گشت چه که این فضل بزرگیست از جانب حقّ اگرچه الیوم معلوم نیست ولکن زود است که معلوم خواهد شد قل سبحانک اللهم یا الهی انا الذی توجّهت الیک و توکلت علیک اسألك باسمک الذی به تموج بحر بیانک و تهیج اریاح عرفانک بان تجعلنی موفقاً علی خدمه امرک و مؤیداً بذکرک و ثنائک ثم انزل علی من سماء مواهبک ما یحفظنی عن دونک و ینفعنی فی کلّ عالم من عوالمک انک انت المقتدر المتعالی المهیمن العليم الحکیم